

## نقش طنز بعنوان مکانیزم جبران در تعدیل احساس حقارت در داستان کودک و نوجوان بر اساس نظریه آدلر

الهام آزرمی<sup>۱</sup>، نواز الله فرهادی<sup>۲\*</sup>

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.

۲- گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۸، صص ۲۹۱-۲۷۵

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8071>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

### چکیده:

**زمینه و هدف:** در جهان معاصر که اضطراب و تنش اجتماعی حتی در میان کودکان بگونه‌ای نگران کننده در حال گسترش است، نقش ادبیات کودک بویژه ژانر طنز در تربیت عاطفی و روانی گروه‌های سنی یاد شده، اهمیتی دوچندان یافته است. طنز بعنوان یکی از عناصر بنیادین ادبیات کودک، نه تنها ابزار سرگرمی، بلکه ساز و کاری روانشناختی برای کاهش اضطراب، تقویت روحیه تاب‌آوری و رشد اجتماعی محسوب میشود. بر اساس نظریه آلفرد آدلر، میتوان از مکانیزم‌های جایگزین از جمله طنز برای غلبه بر احساس حقارت بهره گرفت. هدف این پژوهش بررسی نقش روانشناختی طنز در کاهش اضطراب و عقده حقارت و ایجاد حس تعلق اجتماعی در کودکان و نوجوانان است. بدین منظور دو داستان عشق خامه‌ای و قندآباد بررسی خواهد شد.

**روش پژوهش:** پژوهش حاضر روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد نقد روانشناختی از دیدگاه آلفرد آدلر انجام خواهد شد. داده‌های پژوهش از طریق تحلیل محتوای کیفی متن و استخراج نمونه‌های طنز موقعیتی و کلامی در داستان عشق خامه‌ای و قندآباد و مطابقت آن با نظریه احساس حقارت آلفرد آدلر خواهد بود.

**یافته‌های پژوهش:** یافته‌های پژوهش نشان میدهد که در داستان عشق خامه‌ای و قندآباد، طنز نه صرفاً وسیله‌ای برای خنده، بلکه عاملی مؤثر برای تعدیل تنش و اضطراب اجتماعی کودکان و نوجوانان در جهت افزایش حس اعتماد به نفس و تعامل اجتماعی آنان است.

**نتایج پژوهش:** نتایج حاصل از پژوهش نشان میدهد که بر اساس نظریه روانشناسی فردی آدلر، طنز میتواند بمثابة یک راهبرد جبرانی عمل کرده و کودک را از احساس ناتوانی و حقارت بسوی حس تعلق و کفایت اجتماعی سوق دهد. داستان عشق خامه‌ای و قندآباد با زبانی طنزآمیز و نگاهی عمیق به بازسازی روابط عاطفی به تقویت همدلی و کاهش اضطراب در ذهن مخاطب کودک و نوجوان می‌انجامد؛ از این رو این آثار را میتوان نمونه‌ای موفق از کاربرد آگاهانه طنز برای تربیت روانی کودکان و نوجوانان بشمار آورد.

تاریخ دریافت: ۰۸ مهر ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۰۹ آبان ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۲۵ آبان ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۱ دی ۱۴۰۴

### کلمات کلیدی:

احساس حقارت، آلفرد آدلر، طنز کودک و نوجوان، مکانیسم جبران.

\* نویسنده مسئول:

[Na.farhadi@cfu.ac.ir](mailto:Na.farhadi@cfu.ac.ir)

(۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Role of Humor as a Compensation Mechanism in Moderating the Sense of Inferiority in Children's and Adolescent Stories Based on Adler's Theory

E. Azarmi<sup>1</sup>, N. Farhadi\*<sup>2</sup>

1- Department of Persian language and Literature , Fir.C., Islamic Azad University, firoozabad, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 September 2025

Reviewed: 31 October 2025

Revised: 16 November 2025

Accepted: 01 January 2026

KEYWORDS

Feeling of inferiority. Alfred Adler.

Child and adolescent humor.

Compensation mechanism.

\*Corresponding Author

✉ [Na.farhadi@cfu.ac.ir](mailto:Na.farhadi@cfu.ac.ir)

☎ (+98 )

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** In the contemporary world where anxiety and social tension are spreading alarmingly even among children, the role of children's literature, especially the humor genre, in the emotional and psychological education of the aforementioned age groups has become doubly important. Humor, as one of the fundamental elements of children's literature, is not only a means of entertainment, but also a psychological mechanism for reducing anxiety, strengthening resilience, and social growth. Based on Alfred Adler's theory, alternative mechanisms, including humor, can be used to overcome feelings of inferiority. The aim of this study is to investigate the psychological role of humor in reducing anxiety and inferiority complex and creating a sense of social belonging in children and adolescents. For this purpose, Eshghe Khame'i and Qandabad, will be examined.

**METHODOLOGY:** The present study will be conducted using a descriptive-analytical approach and a psychological criticism approach from Alfred Adler's perspective. The research data will be collected through qualitative content analysis of the text and extraction of situational and verbal humor samples in the story Eshghe Khame'i and Qandabad and its correspondence with Alfred Adler's theory of inferiority complex.

**FINDINGS:** The research findings show that in the story Eshghe Khame'i and Qandabad Love, humor is not only a means of laughter, but also an effective factor in moderating social tension and anxiety in children and adolescents in order to increase their sense of self-confidence and social interaction.

**CONCLUSION:** The results of the study show that, based on Adler's theory of individual psychology, humor can act as a compensatory strategy and lead the child from a sense of helplessness and inferiority to a sense of belonging and social adequacy. The story Eshghe Khame'i and Qandabad Love, with its humorous language and a deep look at rebuilding emotional relationships, leads to strengthening empathy and reducing anxiety in the minds of the child and adolescent audience; Therefore, these works can be considered a successful example of the conscious use of humor for the psychological education of children and adolescents.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8071>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 0	 0

## مقدمه

نقد روانکاوی از جمله مطالعات نوین در حیطه علوم روانشناسی و پژوهشهای میان رشته‌ای است که در آن منتقد یا پژوهشگر سعی دارد با کشف زوایای پنهان و نشانه‌های روانی موجود در متن، کنش و رفتار شخصیت‌های مورد نظر در یک اثر هنری اعم از ادبیات، به تحلیل لایه‌های عمیق متن بپردازد. «پیوند روانکاوی و ادبیات از همان دوران آغاز شد که فروید، نامهای ادبی پرآوازه‌ای چون ادیپ را برای بیان مفاهیم روانکاوی فراخواند و فرضیه‌هایی را در این زمینه مطرح ساخت» (یاوری، ۱۳۸۶: ص ۱۸). پس از فروید، علم روانکاوی و نقد روانشناسی در تحلیل متون ادبی مورد توجه قرار گرفت و روانشناسان برجسته‌ای چون آدلر پا به عرصه وجود نهادند. حس عدم کفایت و عقده حقارت<sup>۱</sup> از جمله مباحث اساسی در نظریه آدلر است. از نظر آدلر و در مکتب روانشناسی فردی<sup>۲</sup> او بحث عقده حقارت و سبک زندگی حائز اهمیت است. او عقده حقارت را نوعی روان رنجوری میداند که میتواند براحتی زندگی کودک را از نخستین سالهای کودکی تحت تأثیر خود قرار دهد. محیط و فضای خانه، مدرسه و جامعه از جمله محیطهای بسیار تأثیرگذار در شکلگیری شخصیت کودک هستند که میتوانند سبب بوجود آمدن روحیات متفاوت در کودکان شوند. از این رو کودک میتواند بنا به شرایط و محیطی که در آن رشد و نمو می‌یابد، از احساس ارزشمندی برخوردار باشد یا برعکس، ناامیدی و احساس نامطلوب حقارت وجود او را فرا گیرد. حال این سؤال مطرح است که آیا ادبیات و بویژه آثار طنز میتواند بعنوان ساز و کاری دفاعی یا کمک کننده به کودکان و نوجوانان در کاهش یا از بین بردن احساس و عقده حقارت در مخاطب کودک و نوجوان کمک کند. بر اساس یافته‌های علم روانشناسی، احساس حقارت از نخستین سالهای طفولیت در فرد ایجاد میشود (ر.ک آدلر، ۱۳۷۰: ص ۲۷). «یکی از ظرفیتهای اساسی ادبیات کودک و نوجوان بخصوص داستان و رمان، تقویت حس آرامش و امنیت روانی در دور ساختن اضطراب، ترس و دلپره از آنهاست. مخاطب کودک و نوجوان نیازهایی دارد که مهمترین آنها احساس امنیت و آرامش است» (رحیمی مند و محسنی، ۱۴۰۲: ص ۱۶۹).

## بیان مسأله

در دنیای پر از تنش و اضطراب، امروز کودکان و نوجوانان بیش از هر زمان دیگری در معرض آسیبهای روانی، فشارهای تحصیلی، خانوادگی و ناپایداریهای عاطفی قرار دارند. در این میان ادبیات کودک با کارکردهای روانی و تربیتی خود، میتواند بستری بسیار مناسب و مؤثر برای رشد عاطفی و اجتماعی کودکان و نوجوانان فراهم آورد. در پژوهش حاضر بر آنیم تا با تکیه بر مطالعه میان‌رشته‌ای در پیوند میان ادبیات و علم روانشناسی، بر اساس نظریه روانشناسی فردی آدلر تأثیر طنز در کاهش احساس حقارت در شخصیت‌های داستانی عشق خامه‌ای و قندآباد را بررسی نماییم. در آثار مذکور، مشکلات روانشناختی شخصیت‌های داستان با زبانی طنز آلود و در موقعیتهای خنده‌دار مورد توجه قرار گرفته است و نویسندگان با برجسته ساختن مشکلات روانشناختی شخصیتها در قالب ژانر طنز، گامهای مؤثری در کاهش و تعدیل احساس حقارت از طریق آثار ادبی خود برداشته‌اند. با توجه به آنچه که ذکر شد پرسش اصلی پژوهش آن است که طنز در این آثار چگونه به کاهش حس اضطراب و احساس حقارت در کودکان و نوجوانان کمک مینماید و تا چه اندازه با مؤلفه‌های نظریه روانشناسی آدلر همخوان است؟

۱. complex

۲. Individual psychology

### ضرورت پژوهش

مطالعات میان‌رشته‌ای، راهکاری تازه بمنظور شتاب بخشیدن به روند توسعه علوم از جمله علوم انسانی است و زمینه را برای محققان و دانش پژوهان در رشته‌های علمی گوناگون فراهم میکند و بشناخت هرچه بهتر مطالعه علوم مختلف منجر میشود. بر این اساس، نگارندگان برآنند با بهره‌گیری از نقد روانشناسی نوین با تکیه بر نظریه آلفرد آدر با نگاهی تحلیلی به بررسی پدیدایی عقده حقارت و مکانیزم جبران و مشکلاتی که بدنبال آن گریبان‌گیر شخصیت‌های اصلی داستانها شده است، بپردازند.

### پیشینه پژوهش

پیرو جستجوهای انجام شده کتاب، مقاله یا پژوهشی که بصورت علمی و روشمند، نقش روانشناختی طنز در کاهش تنش اجتماعی و اضطراب در کودکان و نوجوان را بر اساس نظریه آلفرد آدر تحلیل و واکاوی نماید، یافت نشد اما از میان پژوهشهای نسبتاً مرتبط میتوان به موارد زیر اشاره نمود: نورتون در کتابی با عنوان «شناخت ادبیات کودکان از روزنه چشم کودک» ترجمه شده توسط راعی و همکاران در یک بررسی تلفیقی و میان‌رشته‌ای در خصوص ادبیات کودک و نوجوان و نقش مطالعات روانشناسی در غنی ساختن این نوع ادبی، به مسأله ضرورت توجه به روحیات کودک و نوجوان و اهمیت مورد توجه قرار دادن حالات عاطفی، روانی، تنشها و اضطرابهای آنان توجه نموده است. هجری در کتابی با عنوان «رویکرد ادبیات کودک: تعلیم یا لذت» ابعاد روانشناختی کتب کودک و نوجوان را ارزیابی نموده و بیان داشته که لازم است نویسندگان این نوع ادبی، با روحیات کودکان و نوجوانان بصورت کامل و عمیق آشنایی داشته باشند تا بتوانند متناسب با نیازهای آنان، مطلب بنویسند. در کتاب «دیگرخوانیهای ناگزیر» از خسرو نژاد که درحقیقت مجموعه مقالاتی ارزشمند پیرامون ادبیات کودک و نوجوان است، مباحث قابل توجهی در خصوص روانشناسی کودک و نوجوان و ضرورت توجه به آن بصورت کلی، مورد توجه قرار گرفته است. صنعتی در کتاب «تحلیل‌های روانشناختی در هنر و ادبیات»، حورا یآوری در کتاب «روانکاوی و ادبیات»، هاشمی در کتاب «سعدی و روانشناسی نوین» مطالعات سودمندی پیرامون تأثیر روانشناسی در ادبیات بصورت کلی مطرح کرده‌اند.

از میان مقالاتی که به تحلیل و واکاوی نظریه آدر و تحلیل طنز در ادبیات کودک و نوجوان اختصاص داشته است، میتوان به این موارد اشاره نمود:

ستاره نژادپور و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی اشعار فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریه سبک زندگی آلفرد آدر» به بحث و بررسی احساس حقارت و کهتری به‌عنوان سائق اصلی در پرخاشگری اجتماعی از نظر آدر در اشعار فروغ و سیمین پرداخته‌اند. اعظم اسدی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی برخی از اصول نظریه روانشناسی فردی آدر از منظر قرآن کریم» برخی زیرساخت‌های نظریه آدر مانند برتری‌طلبی و موفقیت را در مقایسه‌ای با اصول اخلاقی که در قرآن کریم مطرح شده است، تحلیل نموده است. اسماعیل نرماشیری و نور ملک ملازهی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی روانکاوانه دو شخصیت کلیله و دمنه بر اساس نظریه آلفرد آدر» نتیجه گرفته‌اند که از منظر روانشناسی فردنگر آلفرد آدر میتوان رگه‌هایی از تنش، اضطراب و عقده حقارت را در میان شخصیت‌های داستانی کلیله و دمنه مشاهده نمود.

### روش پژوهش

در این پژوهش به‌شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای، فیش‌برداری و سندکاوی عمل خواهیم

نمود و جهت دستیابی به پاسخ فرضیه‌ها از نظریه روانشناسی آلفرد آدلر بهره خواهیم گرفت. نگارندگان در ابتدا به مطالعه نظریه روانشناسی (از منظر اضطراب و خشم) در اندیشه آدلر خواهند پرداخت و سپس بر اساس آنچه که مطالعات بینارشته‌ای در زمینه بررسی متون ادبی با سنجه ادبیات کودک محسوب میشود، گزیده‌ای از آثار داستانی طنز ادبیات کودک و نوجوان در دو کتاب از شهرام شفيعی و سیدسعید هاشمی را واکاوی و تحلیل مینمایند. دو داستان مذکور از جمله آثار برگزیده و حائز اهمیت در حیطه ادبیات کودک و نوجوان بحساب می‌آیند که با اقبال مخاطب مواجهه شد و از جمله آثار پرفروش هستند که از صافی نقد و نظر بسیاری از منتقدان عبور کرده و مورد توجه قرار گرفته‌اند.

### مبانی نظری

مطالعات میان رشته‌ای شیوه و راهکاری نوین در عرصه بررسی‌های علمی از جمله در علوم انسانی است که زمینه را جهت فعالیت پژوهشگران و محققان در رشته‌های گوناگون، جهت دستیابی به نتایج دقیق و همه جانبه فراهم می‌آورد. «ادبیات و روانشناسی هر دو با شخصیت انسان سر و کار دارند، هر دو روابط انسانی را بررسی میکنند، همچنین هر دو در تلاشند تا لایه‌های تاریک ذهن را به خود مشغول کنند. کشف دنیاهای ساکت و پنهان پشت متن و نظام‌مند کردن شیوه‌های مختلف بیان و تفکر از جمله این دلمشغولیهاست. [مطالعات روانشناسی این زمینه را فراهم می‌آورد که] از دیدگاه تازه به ادبیات پردازیم» (یاوری، ۱۳۸۶: ص ۱۷۹). بر این اساس مطالعه و تحلیل شخصیت هنرمند اعم از شاعر یا نویسنده به اهتمام آنچه که روانشناسی آن را میتواند ارزیابی و واکاوی کند، سبب گشوده شدن افق تازه در برابر دید ما در شناخت و ارزیابی دقیق متن خواهد شد (رک امین مقدسی و چاکلی امانی، ۱۳۸۸: ص ۱۴). روانشناسی علم بررسی احوال درونی و باطنی فرد است و زمانی که با ادبیات پیوند بخورد میتواند میزان قدرت، استعداد و نیروی عاطفه هنرمند را در خلق اثر نشان دهد. «اگر ادبیات جزء علوم انسانی است به یک اعتبار به سبب آن است که محصول ذهن آدمی است و چه علمی برای مطالعه ذهن آدمی و فرآورده‌های آن شایسته‌تر از روانشناسی» (شمیسا، ۱۳۸۵: ص ۲۵۱). ادبیات زبانی است که روانکاو برای توصیف خود از آن بهره جسته است. «گره خوردگی میان ادبیات و روانشناسی طرحی نو را برای خلق انسانی نو، پی‌ریزی میکند و شاید بتوان گفت پیوند میان دو علم روانشناسی و ادبیات میتواند به کشف و شناخت حالات روحی حاکم بر جامعه و هنرمند بینجامد. بدین معنی که با تفسیر روانشناسانه اثر ادبی میتوان خود هنرمندان را بهتر شناخت و انگیزه‌های حقیقی او را برای ساختن چنین ادبیاتی پیدا کرد» (صنعتی، ۱۳۸۰: ص ۷۹).

### نظریه آدلر

آلفرد آدلر<sup>۱</sup> روان تحلیلگر و پایه‌گذار علم روانشناسی فردی در سال ۱۸۷۰ م در اتریش (شهر وینه) بدنیا آمد و در سال ۱۹۳۷ م چشم از جهان فرو بست. «آدلر را بنیانگذار روانشناسی فردی نام نهاده‌اند. وی نخستین کسی است که جنبه اجتماعی بودن آدمی را خاطر نشان ساخت. آدلر در آغاز کار با فروید هم فکر بود و در انجمن روانکاو وینه عضویت و چندی هم ریاست داشت؛ ولی در سال ۱۹۱۱ م نظر تازه خود را درباره جنسیت که با نظر فروید مغایرت داشت به آن انجمن عرضه نمود، اما چون نتوانست نظر خود را به انجمن بقبولاند، از ریاست و از عضویت انجمن کناره گرفت و به کار روان درمانی خود ادامه داد و بتدریج سیستم خود را در برابر روانکاو فروید، روانشناسی فردی نام گذاشت» (سیاسی، ۱۳۷۹: ص ۸۱). آدلر برداشتی از ماهیت انسان ارائه کرد که او را قربانی غرایز و تعارضها و محکوم به نیروهای زیستی نمیکرد. «او رویکردش را روانشناسی فرد نگر نامید زیرا بر بی‌همتا

۱. Alfred Adler

بودن هر فرد تأکید داشت و عمومیت‌انگیزه‌های زیستی و هدفیابی را که فروید به ما نسبت داد، قبول نداشت (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰: ص ۱۹۰). آدلر به ارتباط و وابستگی تام و تمام فرد با جامعه کاملاً اطمینان داشت. «از دیدگاه آدلر، شخصیت متشکل از بخش‌های مجزا نبود، بلکه فرد بعنوان یک کل منسجم به دنیای بیرون روی میگرد و تأکید بر کل‌نگری در روانشناسی فردی، جنبه‌ای اساسی از این نظریه را منعکس میسازد» (فرگوسن، ۱۳۹۸: ص ۱۸). از نظر آدلر، انسان در درجه اول موجودی اجتماعی است که شخصیت او در تعامل با جامعه و محیط پیرامون شکل میگیرد (ر.ک رایکمن، ۱۳۸۷: ص ۱۱۸). «نظریه روانشناسی فردی آدلر، رویکردی ساختارگراست که بر اهمیت تشویق و پیگیری در درمان تأکید دارد. آدلر نقش همکاری و ارتباط بین افراد را در جهان ارزشمند میداند و بر تأثیر انتخاب شخصی، ماهیت اساسی انسان، اهمیت تمرکز ایدئال و انگیزشی زندگی، حذف نابرابری اجتماعی و اولویت دادن به اجتماع تأکید میکند. نظریه شخصیت آدلر بیان میکند که رشد شخصیت در اوایل کودکی آغاز شده و نتیجه تجارب دوران نوزادی است. از دیدگاه آدلر شخصیت یکپارچه است و این یکپارچگی بر نه جنبه اساسی استوار است: علاقه اجتماعی، سبک زندگی، رفتار هدفمند، عقده حقارت، تلاش برای برتری، اعتراض مردانه، غایتگرایی خیالی و صورت‌بندی خانواده» (ولیزاده و همکاران، ۱۴۰۴: ص ۲۹۸).

### احساس حقارت

بنیادترین و اصلیت‌ترین نظریه روانشناسی فردی آدلر، احساس و عقده حقارت است. «به نظر آدلر، وجود احساس حقارت در همه افراد بشر امر معمولی و مشترک و منبع همه تلاش‌های اوست که حتی میتواند سبب خلاقیت، پیشرفت و ارتقای فرد شود، اما احساس حقارت زمانی که به راه‌های سالم جهت‌جبران منتهی نشود، تبدیل به عقده حقارت میشود؛ یعنی فرد به هر وسیله‌ای متوسل میشود که بوضعیت هنجار و تعادل دست یابد» (کریمی، ۱۳۸۶: صص ۳۸۰ - ۳۸۲). آدلر معتقد است: «احساس حقارت نوعی رنج و اندوه جانکاه در وجود فرد است که او را نسبت به آینده خویش دچار اضطراب میکند» (آدلر، ۱۳۷۹: ص ۵۴). آدلر در نظریه خویش اذعان میکند که هر شخص در نخستین سال‌های زندگی خود شخصیتش شکل میگیرد و حساسیت وی نسبت به محیط و تأثیرات ذهنی او از جهان از همان آغازین روزهای تولد آغاز میشود. «احساس حقارت بخودی خود نشانی از حقارت نفس نیست، بلکه آن هنگام که ضایعه دردناک روانی در کودک ایجاد شود، این احساس بصورت واکنشی طبیعی در وجود او شکل میگیرد» (منوچهریان، ۱۳۷۲: ص ۸). این احساس رنج و درد عاطفی‌انگه‌ای که از مسیر طبیعی خود منحرف شود به درون فرد راه یافته و در عمق شخصیت او جای میگیرد و تبدیل به عقده حقارت میشود. «دوره طفولیت و کودکی برخی از کودکان با فقدان محبت و احساس امنیت همراه است چرا که برخی از والدین بی‌اعتنا یا متخاصم‌اند، در نتیجه این کودکان با احساس بی‌ارزشی یا حتی خشم مواجه میشوند و این احساس میتواند در وجود آنها تبدیل به عقده روانی شود» (فیست و فیست، ۱۴۰۰: ص ۱۱۹).

اصطلاح عقده حقارت در معنای کلی و علمی آن در اندیشه آدلر عبارت است از «دربرگیرنده تمامی انعکاسات و نشانه‌های ظاهری شخصیت که بروز آنها در افراد نمایشگر علت‌های درونی خاصی دارد. سه وضعیت در دوران کودکی منجر به عقده حقارت میشود: حقارت عضوی<sup>۱</sup> حقارت ناز پروردگی<sup>۲</sup> و حقارت سهل‌انگاری<sup>۳</sup>» (اشپربر، ۱۳۸۴: ص

۱. Physical Humiliation

۲. pampering

۳. Neglect

۲۷). از دیدگاه آدلر کودکان ناز پرورده هم دچار عقده حقارت میشوند. «اینگونه کودکان، مستبد و خودرأی هستند، از نظر اجتماعی پرورش نیافته‌اند و ارزشها و خواسته‌های آنان رشد غیر واقعی دارد؛ خودمحور و متقاضی هستند و از بلوغ لازم روانی برخوردار نمیباشند. کودکی که مورد توجه افراطی قرار گرفته است، با این اعتقاد بزرگ میشود که دیگران باید از وی مراقبت کنند. چنین کودکی ناتوان از کمک کردن به دیگران است و اعتماد به نفس اندکی دارد» (فرگوسن، ۱۳۹۵: ص ۳۳). همچنین کودکی که طرد شده و مورد غفلت قرار گرفته نیز در زندگی اجتماعی دچار سرخوردگیهای بسیاری میشود و یأس در او نیز آشکار میشود. «مشخصه اصلی عقده حقارت، ستیزندگی و ترس است» (راتنر، ۱۳۹۰: ص ۴۱). عقده حقارت «مجموعه صفات، رفتار یا کرداری است که عمل یا کنش آنها برکنار ساختن یک احساس کهنتری در دناک است» (پروچاسکا، ۱۳۸۳: ص ۵۶). از نظر آدلر، این عقده حقارت نوعی بیماری و روان‌رنجوری است که برتری جویی را سبب میشود و شخص سعی میکند به هر قیمتی بخاطر غلبه بر آن، سرآمد باشد.

### داستان عشق خامه‌ای

داستان عشق خامه‌ای اثر نویسنده طنز پرداز عرصه ادبیات کودک و نوجوان، شهرام شفیعی است. «در این اثر مفاهیم اخلاقی، ارزشها، هنجارها و ضد ارزشها در قالب روابط انسانی بسیار سالم و عاری از ترس، اضطراب و دلهره در میان اعضای یک خانواده به نمایش گذاشته شده است. این داستان بلند که در بیست و دو فصل نوشته شده است، ماجرای مهاجرت خانواده‌ای از تهران به زادگاه پدر را توصیف میکند. شروین، رامین، شیما و فرناز چهار فرزند این خانواده هستند که با مهاجرت از تهران به شهر کوچک و عدم تناسب و سنخیت میان محیطی که در آن بزرگ شده‌اند با زادگاه پدر، دچار تعارض و مشکلاتی میشوند» (رحیمی‌مند و محسنی، ۱۴۰۲: ص ۱۸۰).

### داستان قندآباد

داستان قندآباد از جمله آثار بسیار موفق ادبیات کودک و نوجوان نوشته سیدسعید هاشمی است. داستان حول محور شخصیت پسری به نام «سکندر» می‌چرخد که بر اثر تنبیه معلم سابق روستای قندآباد، بینایی یک چشم خود را از دست داده است و پس از این مسئله با تمامی معلمهایی که به روستا می‌آیند، سر ناسازگاری دارد و آنها را آزار میدهد. هاشمی در قالبی طنزآمیز اتفاقاتی را که سکندر بر سر آخرین معلم روستا می‌آورد، مورد توجه قرار میدهد. سرانجام صبوری معلم و کمکهای او، سکندر را از احساس حقارت و خشمی که او را فرا گرفته نجات میدهد. داستان طنز قندآباد را میتوان یکی از نمونه‌های بسیار سودمند برای گروه سنی کودکان به زبان طنز معرفی نمود که مشکلات و مسائل روحی کودکان را به صورت بسیار زیبا با زبانی طنزآمیز مطرح کرده است. قندآباد کتابی است که در کنار جنبه تعلیمی و سرگرم کننده یکی از اساسیترین و ریشه‌دارترین دلایل پرخاش و خشم در کودکان را مورد توجه قرار داده و با ظرافت هرچه تمامتر آن را بتصویر کشیده است.

### تحلیل داده‌ها

طنز به مثابه ساز و کاری جبرانی<sup>۱</sup> در برابر احساس حقارت: مکانیسم جبران در نظر آدلر به آن معناست که وی معتقد است: «انگیزه اصلی پرخاشگری در افراد، قدرت‌طلبی است که در نهایت به برتری جویی ختم میشود. انگیزه برتری جویی، خود تبعاتی را دنبال دارد از جمله خشم و پرخاشگری. این مکانیسم، جبران نامیده میشود»

<sup>۱</sup>. compensation

(آدلر، ۱۳۷۹: ص ۱۷۰). در این مورد فرد همیشه تلاش مینماید که حس حقارت خویش را جبران نماید، ولی ساز و کار جبرانی در افراد مختلف، متفاوت است. «مسائلی که در شکل‌گیری این سازوکارهای جبرانی اثر میگذارد عبارتند از حافظه، هیجانها، وضعیت شناختی بیمار و موارد دیگر» (ناصری و رئیس، ۱۳۸۶: ص ۵۷). بر اساس آنچه آدلر مطرح میکند هر فرد در فرایند رشد خود با احساس ضعف و ناتوانی مواجه میشود و برای غلبه بر آن دست به جبران میزند. داستان عشق خامه‌ای، حول محور «کمال‌گرایی» در نوجوانان میچرخد. کمال‌گرایی در داستان عشق خامه‌ای با احساس حقارت در برخی از شخصیت‌های داستان همسو شده است اما شفیعی با زبانی طنز و خلق موقعیتهای طنزآمیز توانسته است بخوبی این شرایط را توصیف کند و در راستای جبران احساس حقارت در شخصیتها عمل کند.

در این داستان، شیما دختر نوجوان خانواده است که احساس هویت و کمال را در رسیدگی بیش از حد بصورت و چهره و تهیه کالاهای لوکس و خوردن غذاهای خاص و گران قیمت میبیند. شفیعی از آغاز داستان این مسأله را در راستای احساس حقارت نوجوانی با زبانی ظریف، کنایی و طنزآمیز بخوبی مورد توجه قرار داده است. شیما مانند بسیاری از جوانان، از ظاهر خود راضی نیست و احساس کمبود میکند از این رو همواره تنها دغدغه‌اش آراستگی است؛ شیما از مکانیسم جبران در راستای این احساس بخوبی بهره میگیرد:

«شیما تا صبح بیدار بود؛ البته بخاطر اینکه دکتر بهش گفته بود باید ناخنهایت را شب تا صبح بگذاری توی آلبیمو تا سفت شود» (شفیعی، ۱۳۸۲: ص ۴۰).

آرایش کردن و رسیدن بخود در دوره نوجوانی برای شیما نوعی مکانیسم جبران در جهت رسیدن به ظاهری ایدئال است:

«شما یک کوکب زرد چیده بود و گذاشته بود روی کیف گلبهی رنگش... ناخنهای دستش طوری بلند و سوهان خورده بود که فکر میکردی نوک هر انگشتش یک مورچه بالدار دراز نشسته است» (همانجا: ص ۵۸).

آن زمان که فرد در درون خود احساس نابسندگی کند، ممکن است با زیبایی ظاهری، لباس یا آرایش در پی جبران کمبودهای درونی و تأیید اجتماعی باشد. آدلر این مسأله را در قالب جبران روانی<sup>۱</sup> مطرح نموده است و معتقد است وقتی فردی از درون احساس کوچکی میکند، میکوشد در بیرون بزرگ جلوه کند، چه با قدرت چه با دانش و چه با زیبایی (ر.ک آدلر، ۱۳۷۹: ص ۸۹). شیما در داستان مذکور بدنبال خودآرایی افراطی یا برتری‌طلبی و خودنمایی بیش از حد است تا احساس حقارت را پنهان کند؛ تا جایی که تمام افکار او پیرامون رسیدگی و توجه به صورتش خلاصه میشود:

«به پیشنهاد بابا اصرار من و فرناز، مقرر شد پسر عمو پشه‌بند را توی حیاط و روی موزاییکها غلم کند ادر تمام مدت شیما به این مسأله فکر میکرد که [ماسک خیار و گوجه با پودر دندان از ماهی در هوای آزاد بهتر روی پوستش جواب میدهد» (همانجا، ص ۸۴).

«شیما شبها روی صورت خودش سالاد درست میکنه» (همانجا).

«شیما ابروهاش را که زیر ماسکی از انگور و توت فرنگی و کف دریا بود بالا داد و گفت نه» (همانجا: ص ۹۱).

از نظر آدر «هر رفتار انسانی نوعی تلاش برای برتری است حتی اگر در نقاب فروتنی یا زیبا جلوه دادن خویش پنهان شده باشد» (آدلر، ۱۴۰۲: ص ۷۴). از این رو غلبه بر ضعفهای گوناگون از جمله ضعفهای ظاهری - یا آنچه که بنظر ضعف می‌آید - احساس ارزشمندی به فرد میدهد. حال اگر این مکانیزم روانی با اضطراب، وابستگی افراطی

<sup>۱</sup> Psychological compensation

و رقابت‌جویی همراه شود، نوعی مکانیسم جبران در جهت احساس حقارت در فرد است که آسیب‌زا می‌شود و حس اجتماعی<sup>۱</sup> فرد را تحت‌الشعاع خویش قرار می‌دهد.

شیما از جمله شخصیت‌هایی است که شفיעی گرچه در قالب طنز، اما احساس حقارت در وجود او و انتقاد اطرافیان نسبت به توجه بیش از حدش به آراستگی و... را بخوبی مورد توجه قرار می‌دهد. بعنوان نمونه زمانیکه اوضاع خانواده بهم ریخته است و هر کدام با مشکلی دست و پنجه نرم می‌کنند، شیما تنها به فکر لنزهای رنگی چشمش است: «این وسط شیما که قبل از خواب لنزهای رنگی‌اش را گذاشته بود روی میز عسلی هی فریاد میزد... زلزله... زلزله... مواظب لنز چشمم باشین» (شفیعی، ۱۳۸۳: ص ۱۵۵).

شیما در داستان عشق خامه‌ای دختر خودشیفته‌ای است که گرچه شفיעی او و حرکات و رفتارها را با زبان هنر مورد توجه و توصیف قرار داده است. در توصیف طنزآمیزی که شفיעی از احساس حقارت نسبت به ظاهر و زیبایی در وجود شیما دارد بخوبی مشخص می‌شود که شیما «هویت» خود را تنها در حفظ آرایش ظاهری و رسیدگی صورتش میداند؛ تا جاییکه به قول نویسنده اگر آرایشش را پاک کند شبیه «جادوگرها» می‌شود: «بعد از ساعت ده شب، اوضاع جور دیگری می‌شد. جادوگر ژولیده‌ای که توی اتاق نیمه تاریک این طرف و آن طرف میرفت و زیر لب غُر میزد و گاهی هم برای استراحت‌های کوتاه مدت شیرجه میزد روی تخت‌خواب» (شفیعی، ۱۳۸۳: ص ۱۲۲).

نویسنده در توضیح رفتارهای عجیب و غریب این شخصیت داستانی، آنها را تنها ناشی از چشم و هم چشمی میداند:

«شیما بعد از ساعت ده شب موسیقیهای عجیب و غریبی گوش میداد که چند تایی از آنها را با خودش از تهران آورده بود و یکی دو تاش را هم از کلاس مکاتباتی پرورش ذهن و جسم و غیره برایش فرستاده بودند... راستش این چیزها را فقط از روی چشم هم‌چشمی با دوستان تهرانی‌اش گوش میکرد و با این کار میخواست متفاوت بودن شخصیت ذوقی‌اش را نشان بدهد» (همانجا: ص ۱۲۳).

«شیما با دمپاییهای لا انگشتی‌اش که کفیهای عین برش کیک تولد، لایه لایه و کلفت چند رنگ بود، انگار که روی ابرهای نرم خوشبختی و بی‌توجهی و اطراف قدم میزد. حالا لب باغچه آن طرفی نشسته بود و با یک خروار آت و آشغال از قبیل خر مهره، تیکه‌های چوبی و... برای خودش گردنبنند درست میکرد» (شفیعی، ۱۳۸۲: ص ۹۹).

از توصیفات شفיעی برمی‌آید که شیما نوجوانی خودشیفته است و حتی از اینکه خانواده راجع به آینده و ازدواجش نظر خود را بیان می‌کنند، ناراحت می‌شود:

«شیما عصبانی شد و گردنبنند سه کیلویی‌اش را پرت کرد وسط باغچه. مامان... تو رو خدا بس کن... یک ماهه دارین با من مثل کیف پر از پول نقد برخورد میکنین. آخه من چه گناهی دارم که شما توی بچگی کتاب پلیسی زیاد خوندین! من برای شماها موضوع سرگرم کننده باشم برمیدرم تهرون» (همانجا: ص ۹۵).

از دیگر شخصیت‌های داستان عشق خامه‌ای که از مکانیزم جبران جهت پوشاندن احساس حقارت در وجود خویش بهره میبرد، شخصیت «پسر عمو» است. پسر عمو، شخصیت ساده لوح، دستپاچه و سر بهوایی است که در زیر سایه رفتارهای خشک و خشن پدر خود یعنی عموی خانواده، دچار احساس حقارت شده است. عمو، مدیر خشک و خشن مدرسه راهنمایی بوده و همه میدانستند که سختگیریهایی بسیار زیاد او برای نظم و ادب بیش از حد

۱. Social inerest

بچه‌ها، سبب میشد که همه از او بترسند از جمله پسرش که در داستان با اسم «پسر عمو» شناخته میشود، شفیعی از زبان رامین پسر خانواده در توصیف عمو می‌گوید:

«من از عمو میترسیدم. تا آن روز اصلاً عمو را ندیده بودم و صدایش را هم نشنیده بودم. حتی هیچوقت یک عکس کوچولوی سه در چهار هم ازش نداشتم تا ببینم شکل شمایلش چه جوری است. [اما] وقتی بابا تلفن میکرد با او حرف میزد، قلبم داغ میشد و تند تند میزد. درست مثل این بود که بابا در حال مکالمه مستقیم با یکی از مومیاییهای پنج هزار ساله مصر باستان باشد» (شفیعی، ۱۳۸۳: صص ۵۱ - ۵۲).

این تصویر خشن اما طنز آلودی که شفیعی از عمو ترسیم میکند، باعث میشود که احساس کهرتری<sup>۱</sup> در پسر عمو ایجاد شود و برای جبران این احساس که او را بسیار ساده لوح و دستپاچه نشان میدهد، تصمیم به خودنمایی و عرض اندام بگیرد. پسر عمو برای مقابله با ترس، تحقیر، کمرویی و عدم توانایی در حل مشکلات، سعی میکند همه جا عرض اندام کند و بنوعی خود را مطرح نماید. شفیعی با شوخ طبعی و طنز کلامی و موقعیتی خود بخوبی این ضعف رفتاری و روحی پسر عمو را که ناشی از احساس حقارت و کهرتری در وجود اوست، ترسیم کرده است:

«پسر عمو همان قدر که آرام و متین است، میتواند ذوق زده و دست و پا چلفتی هم باشد» (شفیعی، ۱۳۸۳: ص ۸۳).

ضعف شخصیتی و نیز افت و خیزهای بسیاری که در رفتار پسر عمو وجود دارد، زمانی به اوج احساس حقارت، اضطراب و پریشانی تبدیل میشود که وی از شیما جواب منفی میشنود و تصمیم به خودکشی میگیرد، شفیعی این مسأله را دستمایه طنز بسیار زیبایی قرار میدهد:

«بالاخره پسر عمو خودش را به قلعه تغار میرساند تا در آنجا مخفی شود و سر فرصت به موضوع خودکشی اش فکر کند» (همانجا: ص ۱۵۹).

رفتارهای ظاهری پسر عمو، عمدتاً با همسالان او منطبق نیست. جوانی میانه اندام، بسیار خجالتی و مبادی آداب است که خود را در معرض تمسخر دیگران قرار میدهد:

«یکهو در خانه باز شد و بابای بیست سال پیش در قاب ظاهر شد. کت و شلوار مشکی فاستونی، پیرهن سفید، پاپیون مشکی، سیبیل قیطونی... میخک سرخ توی جیب پیش سینه [به نظر رامین] آدم را یاد نثر تاریخ بیهقی مینداخت. همان موقع متوجه شدیم که پسر عمو همونقدر که آرام و متین است، میتواند دست و پا چلفتی هم باشد» (همانجا: ص ۵۴).

«فرد گاه ویژگیهای مثبت را بشکل مبالغه آمیز به خود و یا دیگران نسبت میدهد و برای ویژگیهای ناشایست خود کمترین میزان را قائل میشود. این خودستایی و اغراق از نظر آدلر، مکانیسم دفاعی آرمانی سازی است. شخصی که دچار عقده حقارت است بشیوه‌های مختلف و وسایل و ابزارهای متعدد سعی میکند این حس حقارت را از شخصیت خود حذف و پاک کند یا از میزان آن بکاهد. بنابراین بشکلی غیر معقول و دور از واقعیت به تمجید از خود بزرگ کردن و تجسمهای خوب خویش روی می‌آورد» (استوارت، ۱۳۸۸: صص ۱۵۱ - ۱۵۲).

**تنبیه بدنی؛ علت بوجود آمدن احساس حقارت و خشم:** محیط اطراف و رابطه فرد با جامعه از مهمترین علل و عوامل بوجود آمدن احساس حقارت است و نقش اساسی در احساسات کودک دارد. زندگی احساسی یک کودک در نخستین سالهای طفولیت او شکل میگیرد و بویژه خانواده و مدرسه نقش اساسی در آن ایفا میکنند. فضای آموزش و پرورش و مدرسه در تداوم، شکل‌گیری یا از بین رفتن احساس حقارت بسیار مؤثر است (ر.ک منصور،

<sup>۱</sup> Inreriority feeling

۱۳۹۷: ص ۱۷). سکندر دانش آموزی است که از معلم کلاس اول خود بشدت کتک خورده و همین امر سبب شده است که بینایی یک چشمش را از دست بدهد و بلحاظ روانی نسبت به تمام معلمها کینه به دل بگیرد و احساس حقارت کند. نقص جسمانی، این احساس حقارت را در وجود کودک دامن زده است. «کهنترانگاری باعث میشود فرد خود را از دیگران حقیرتر تصور کند؛ احساسات ناخوشایندی که سبب میشود فرد در مقایسه خود با دیگران و افراد پیرامون خویش گمان کند که در وضعیت پایینتری از آنها قرار دارد» (عبدالله‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۱۳۱). نقص عضو در سکندر، او را بسیار حساس و خشمگین ساخته؛ هاشمی در توصیف این احساس سکندر آورده است:

«وقتی سکندر کلاس اول دبستان بوده، همان روزهای اول مدرسه، معلمشان که خیلی هم بد اخلاق بوده، سیلی محکمی بگوش او زد و یک چشم سکندر نابینا شد. او از آن به بعد کینه مدرسه و معلمها را به دل گرفته و با آنکه معلمهای بعدی او خیلی خوب و مهربان بوده‌اند، سکندر نتوانسته با آنها کنار بیاید. بخاطر همین هر معلمی که به این روستا می‌آید، مدتی میماند بعد از دست سکندر ذلّه میشود و فرار میکند» (هاشمی، ۱۴۰۲: ص ۱۹). این مثال مؤید این نکته است که در رویکرد آدلری، فرض بر این است که قسمت بسیار عمده‌ای از پرخاشگری، خشم، اضطراب و احساس حقارت در افراد از محیط خانه، مدرسه و اجتماع از همان نخستین روزهای زندگی شکل میگیرد (ر.ک خدابخش و جعفری، ۱۳۹۳: ص ۱۲).

**احساس تنفر:** آدلر بیان میکند «تنفر، احساس نامرئی است که در لفافه خود نمایی، بروز میکند. تنفر ممکن است آنچنان گسترش یابد که باعث شود فرد تمام ارتباط خود را با دیگران از دست بدهد. گاهی اوقات آتش تنفر با یک جرعه روشن میشود» (آدلر، ۱۳۷۹: ص ۱۵۸). از همان آغاز داستان که معلم جدید به روستا می‌آید، احساس تنفر در وجود سکندر شکل میگیرد. سکندر با دادن آدرس اشتباهی به آقا معلم، وی را به دردسر و زحمت می‌اندازد و باعث میشود چندین ساعت مسیر معلم دور شود؛ آنجا که در ابتدای روستای قندآباد سکندر به آقا معلم میگوید:

«آقا شما معلم هستی؟. بله، امسال قراره به بچه‌های قندآباد درس بدهم. تو هم قندآبادی هستی؟» (هاشمی، ۱۴۰۲: ص ۹).

و سکندر به دروغ میگوید:

«نه آقا من مال عین آباد هستم. تا قندآباد خیلی مونده؟ بله آقا، خیلی مونده این مینی بوس قندآباد نمیره؟ آخه قندآباد جاده نداره. باید پیاده برید. حدود دو کیلومتری» (همانجا: ص ۹).

آقا معلم بعد از طی کردن مسافت طولانی به روستایی میرسد که سکندر آدرس داده اما با کمال تعجب متوجه میشود که پسرک به او اشتباهی آدرس داده است و ماجرای تنفر سکندر از آقا معلم از همینجا شروع میشود: «ای خدا بگم چیکارت کنه. پس اون بچه دروغ گفت؟ اسمش چی بود؟ سیامک؟ نه سکا...، پسرکی که همراه پیرمرد بود گفت سکندر رو میگید آقا؟ آره... آره... سکندر تو از کجا میشناسی؟ آقا پس حتماً سر کارتون گذاشته، خواسته مدرسه تعطیل بشه. اون رو همه میشناسند» (همانجا: ص ۱۲).

سکندر دائماً افکار منفی را ذهن خود نسبت به آقا معلم میپروراند و احساس تنفر هر روز در وی شدت میگیرد. او از هیچ کاری برای آزار آقا معلم دریغ ندارد از انداختن مار در کیف دستی وی تا ریختن قیر روی صندلی و منفجر کردن بخاری کلاس درس و بستن درب انباری به روی وی که البته تمام این موارد در قالب طنز و با توصیفات بسیار دقیق از شیطنتهای کودکانه سکندر - نه تنفری کشنده و مرگبار - بیان میشود:

«در کیفم را باز کردم تا دفتر فانتزی زیبایی را که از شهر خریده بودم... در آورم. داشتم توی کیفم را می‌گشتم که یک دفعه دستم به یک چیز نرم و لزج خورد. این دیگه چیه؟ من توی کیفم از این چیزا نداشتم... یکدفعه نزدیک بود از ترس جیغ بکشم. یک مار گنده سیاه بدقیافه بود که توی دستم هی وول می‌خورد... قبل از اینکه سکنه کنم، مار را از پنجره پرت کردم بیرون. همراه با پرت شدن مار، سکنده هم تر و فرز با یک حرکت، خودش را از پنجره پرت کرد بیرون و د در رو» (همانجا: صص ۲۰ - ۲۱).

**پرخاشگری و رفتارهای خشونت آمیز:** آدلر، خشم را یک کنش آشکار نمیداند، بلکه معتقد است خشم بیشتر در فکر و بصورت یک هیجان و احساس ظاهر میشود که به اقدام پرخاشگرانه منتهی میگردد. خشم نشانگر حس برتری جویی است و برای آن است که فرد خشمگین از این راه به اهداف خود دست یابد. شخص پرخاشگر و عصبانی تمام توان خود را بکار میگیرد تا بر دیگران برتری پیدا کند او برای نشان دادن خشم خود ممکن است به هر کاری دست بزند (ر.ک آدلر، ۱۴۰۲: ص ۸۵).

در داستان قندآباد، پرخاشگری ناشی از خشم در رفتار سکندر گرچه با طنزهای موقعیتهای بسیار گیرایی مورد توجه قرار گرفته و در نهایت آسیب جدی به آقا معلم وارد نمی‌آید، اما قصد و نیت کودکی آسیب دیده را برای آزار و اذیت معلمی روایت میکند که در ذهن کودک روزگاری بواسطه یکی از این افراد بینایی خویش را از دست داده است. برادر سکندر یعنی «مش قلندر» در توصیف این رفتار او میگوید که سکندر از تمام معلمها کینه به دل گرفته و قبل از آنکه بینایی خود را از دست بدهد، اتفاقاً کودکی مهربان و آرام بوده است (ر.ک هاشمی، ۱۴۰۲: ص ۱۹) و درست بهمین دلیل است که نمیتواند بهیچ معلمی اعتماد کند و هر چقدر که معلم جدید تلاش میکند تا او را با خود همراه سازد، قادر به این کار نیست:

«گفتم معلمها دلسوزترین انساها هستند و اگر معلمی اشتباه کرده، نباید به پای همه معلمها نوشت. معلمها دوست دارند با دانش آموزان دوست باشند و دانش آموزان هم باید معلمها را مثل پدر خود بدانند و با آنها صمیمی باشند» (همانجا: صص ۱۹ - ۲۰).

اما بدبینی و خشمی که در وجود سکندر رخنه کرده است برای او با نوعی مکانیسم جبران است تا در برابر معلم جدید هم مقاومت کند. بر اساس نمونه‌هایی که در داستان قندآباد مورد توجه قرار گرفته است، سکندر با کوچکترین حرکات آقا معلم به فکر نقشه جدید است تا او را اذیت کند. «فرد خشمگین قدرت‌طلبی خود را آنچنان با تلخکامی نشان میدهد که انتظار می‌رود طرف مقابل جان خود را از دست بدهد» (آدلر، ۱۳۷۹: ص ۱۸۵).

سکندر پس از نقشه‌های بسیاری که در راستای مکانیسم جبران و تخلیه خشم درونی‌اش نسبت به آقا معلم، تصمیم میگیرد سگ گله‌شان «جنگی» را به جان آقا معلم بیندازد، آن هم پس از بلاهای پیاپی که سر او آورده و هر کدام بنوعی آقا معلم را گرفتار کرده است:

«پس از چند روز استراحت و آش گرم خوردن و داروی گیاهی و محبت‌های مش قلندر [برادر سکندر] خوب خوب شدم. قدم زنان بصرها رفتم. به همان چراگاه گله سکندر. سکندر داشت درس میخواند. سگهای گله با دیدن من شروع کردند به پارس کردن. سکندر سر بلند کرد و من را دید... و بجای اینکه جوابم را بدهد رو کرد به جنگی [سگ گله] و گفت جنگی بگیرش. ناگهان جنگی مثل یک دشمن خونی پارس کنان دوید طرفم... درد شدیدی در مچ پایم احساس کردم. افتادم زمین. جنگی همانطور که دندانهایش را در پایم فرو برده بود، خرناس میکشید» (همانجا: صص ۶۶ - ۶۷).

بدبینی: از نظر آدلر «شخص بدبین با نگاهی منفی و دریافتی تاریک به تفسیر وقایع میپردازد. او همیشه احتمالات

منفی را واقعی و احتمالات مثبت را دور از ذهن میداند. شخص بدبین، بدترین احتمال ممکن را محتملترین میداند و هرگز نمیتواند با نگاهی مثبت به حوادث بنگرد؛ در نتیجه امکان اعتماد کردن از او گرفته میشود و نگران از بروز مشکلات و رخدادهای ناخوشایند همه افکارش را فرا میگیرد» (آدلر، ۱۳۷۹: ص ۱۶۲). بدبینی سکندر نسبت به «معلم» در معنای عام کلمه، در تمام داستان مشهود است. او به همه معلمها بدبین است و گرچه معلم جدید او را بسیار دوست دارد، اما حس بدبینی ناشی از تنبیه بدنی توسط معلم کلاس اول، چنان در روح و روان سکندر رخنه کرده است و این مشکل به سادگی قابل حل نیست:

«سکندر میره بیابون. گوسفندا رو میبیره. کتاباشم میبیره همونجا مینویسه و میخونه، همینم که چند روز در میون میاد مدرسه، من مجبورشم میکنم و بهش سفارش میکنم وگرنه با وضعی که برای چشمش پیش اومد، هیچ وقت بمدرسه نمی‌اومد» (هاشمی، ۱۴۰۲: ص ۵۴).

ذهن سکندر، در هجوم افکار تاریکی است که سبب شده به او آسیب بزند و بخاطر همین از هیچ کاری برای جبران عقده حقارتی که در وجودش رخنه کرده، فروگذار نیست:

«حرف تو گوشش نمیره. هرچی میگی معلمها خوبن، مدرسه خوبه، بشین توی مدرسه درس رو گوش بده، میگه خودم میخونم» (همانجا: ص ۵۵).

**انزوا طلبی و حس انتقام:** از نظر آدلر، نادیده گرفته شدن یکی از عواملی است که ریشه در احساس حقارت دارد. در واقع جامعه بزرگترین عامل ایجاد احساس حقارت است. عملکرد آن به هر نوع اعم از مستقیم یا غیر مستقیم میتواند پیامدی آسیب زا برای شخصیت فرد بدنبال داشته باشد (ر.ک قبادی و هوشنگی، ۱۳۸۸: ص ۹۸). سکندر از مدرسه و درس گریزان است. گرچه او کودکی باهوش و بسیار تیزفهم است اما تا انتهای داستان خود را از جمع بچه‌ها، مدرسه و درس دور نگاه میدارد:

«بچه‌ها بلند شدند و رفتند. دست سکندر را گرفتم و با هم رفتیم توی سالن مدرسه. وسط سالن ایستادم و نگاهش کردم. دوست داری با من ناهار بخوریم؟! دوست نداری به من بگی چته؟ چرا از من بدت میاد... اینهم راهی بود تا بلکه بتوانم قلق پسره را بدست بیاورم» (هاشمی، ۱۴۰۲: ص ۴۶).

### نتیجه‌گیری

در روانشناسی فردی آدلر، ریشه بسیاری از نابسامانیهای روانی و اجتماعی در تجربه‌های کودکی و تحقیرهای نخستین نهفته است؛ تجربه‌هایی که اگر بدرستی فهم و جبران نشوند، در بزرگسالی بشکل خودشیفتگی، پرخاشگری یا انزوای روانی بروز میکنند. بررسی و نتایج حاصل از مطالعه دو داستان عشق خامه‌ای از شهرام شفیی و داستان قندآباد اثر سیدسعید هاشمی بر مبنای نظریه عقده حقارت آدلر و مکانیسم جبران از دیدگاه وی نشان میدهد که بسیاری از رفتارها و کنشهای شخصیت‌های محوری این دو اثر بدنبال احساس کهنتری عقده حقارت و تلاش برای جبران این حس شکل گرفته است. در عشق خامه‌ای، شیما یکی از شخصیت‌های اصلی داستان، دختری خودشیفته است که سعی دارد احساس کم ارزشی و بی کفایتی را که در وجود بسیاری از نوجوانان دیده میشود، با رسیدگی افراطی به ظاهر خود جبران کند. شفیی از طنز در این داستان بعنوان ابزاری بسیار مناسب استفاده کرده است تا بصورت غیر مستقیم نقدی اجتماعی بر ساختارهای تربیتی و فرهنگی که منشأ احساس کهنتری و حقارت در شخصیت دختران نوجوان در جامعه است را واکاوی نماید. سیدسعید هاشمی نیز در کتاب قندآباد، سکندر را بعنوان نمونه کامل باز تعریف شده از کودکی که قربانی خشونت در جامعه شده است، بتصویر کشیده

است. احساس ترس، بی‌ارزشی و حقارت نهادینه شده در وجود اسکندر بدنبال تنبیه بدنی که توسط معلم مدرسه در نخستین سال تحصیلی او رخ داده او را تبدیل به کودکی پرخاشگر و خشمگین کرده است که قادر نیست احساس کهری و عقده حقارت را در خود فرو خورد و بدنبال آن در فرایند احساس حقارت دست به آزار و اذیت معلم جدید مدرسه میزند. شفيعی و هاشمی با بهره‌گیری از طنز موقعیتی در این داستان بخوبی توانسته‌اند از طنز بعنوان ابزاری افشاگر و در عین حال تسکین‌دهنده استفاده کنند.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد استخراج شده است. جناب آقای دکتر نوازالله فرهادی راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند و دانشجو الهام آزرمی، پژوهشگر این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته است. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر میباشد.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی فیروز آباد و مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) بویژه استاد اندیشمند و متواضع جناب دکتر امید مجد اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Stuart. William (2009). Encyclopedia of Theoretical and Practical Counseling. Translated by: Shokoh Torabinejad. Second edition. Tehran: Alam, pp. 151-152.
- Sperber. Mans (2005). Psychological Analysis of Despotism and Autocratism. Translated by: Ali Sahebi. Tehran: Adab and Danesh, p. 27.
- Amin Moghaddasi. Abolhasan and Chakli Amani. Bahram (2009). "The Factors of Syllable Formation in Bashar Ibn Bard". Journal of Arabic Literature, University of Tehran. Issue 1. pp. 45-62.
- Adler. Alfred (1991). Individual Psychology. Translated by: Hassam Zamani Sharafshahi. Tehran: Tasvir, p. 27.
- \_\_\_\_\_ (1990). Understanding Human Nature from a Psychological Perspective. Translated by: Tahereh Javahersaz. Tehran: Rushd, pp. 170-89-158-185-162.
- \_\_\_\_\_ (2023). Understanding Life. Translated by: Zahra Azadfar. Tehran: Gol, pp. 74-85.
- Prochaska. James (2004). Theories of Psychotherapy. Translated by: Yahya Seyyed Mohammadi. Tehran: Rushd, p. 56.
- Khodabakhsh. Roshank and Jafari. Mustafa (2014). "Investigating the Effectiveness of Parenting Training with an Adlerian Approach on the Styles of Mothers of Children

- with Oppositional Defiant Disorder and Reducing Symptoms of the Disorder". *Psychological Studies*. Volume 10. Issue 1. pp. 7-30.
- Ratner. Joseph (2011). *Individual Psychology*. Translated by: Hassan Zamani Sharafshahi. Tehran: Pik Bahar, p. 41.
- Ryckman. Richard (2008). *Theories of Personality*. Translated by Mehrdad Firuzbakht. Tehran: Arasbaran, p. 118.
- Rahimimand. Mahnaz and Mohseni. Morteza (2023). "A Comparative and Pathological Study of Child and Adolescent Humor with the Approach of Karen Horney's Theory of Basic Anxiety Psychology". *Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab)*. Year 16. Issue 10. Consecutive Issue 92. pp. 167-185.
- Siyasi. Ali Akbar (2000). *Personality Theories or Schools of Psychology*. Eighth Edition. Tehran: Tehran University Press, p. 81.
- Shafi'i. Shahram (2004). *Eshghe Khame'i*. Tehran: Soure Mehr.
- Shamisa. Sirous (2006). *Literary Criticism*. Tehran: Mitra, p. 251.
- Schultz. Duane and Schulz. Sidney Allen (2021). *Personality Theories*. Translated by: Yahya Seyed Mohammadi. Forty-fifth edition. Tehran: Edition, p. 190.
- San'aty. Mohammad (2001). *Psychological analyses in art and literature*. Tehran: Markaz, p. 79.
- Abdollahzadeh. Sattar et al. (2020). "A study and analysis of the personality of Kush Pil Dandan based on Alfred Adler's theory of inferiority complex". *Scientific journal of Persian poetry and prose style (Bahar Adab)*. Volume 15. Serial 81. pp. 69-116.
- Ferguson. Eva (2019). *Introduction to Adlerian psychology*. Translated by: Soheila Khodavardian. Second edition. Tehran: Pendar Taban, pp. 18-33.
- Feist. Jess and Feist. Gregory (2021). *Theories of personality*. Twenty-second edition. Tehran: Rawan, p. 119.
- Ghobadi. Hossein Ali and Hushangi. Majid (2009). "Criticism and Psychoanalytic Study of the Personality of the Autistic from the Perspective of Alfred Adler". *Literary Criticism*. Year 2. Issue 7. pp. 97-119.
- Karimi. Yousef (2007). *Personality: General Psychology*. Tehran: Payam Noor University Press, pp. 380-382.
- Mansour. Mahmoud (2018). *Inferiority Feeling: Including Adler's Clinical Studies - Basic Theories - Single Clinical Studies*. Fifth Edition. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute, p. 17.
- Manouchehrian. Parviz (1993). *Inferiority Complex*. Second Edition. Tehran: Gutenberg, p. 82.
- Nasehhi. Abbas Ali and Raisi. Firoozeh (2007). "A Review of Adler's Theories". *Recent Cognitive Sciences*. Year 9. Issue 1. pp. 55-66.
- Valizadeh. Susan et al. (2025). "Rereading the characters of the poem Leyli and Majnoon Nezami from the perspective of Adler's individual psychology". *Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Former Bahar Adab)*. Year 18. Issue 8. Consecutive issue 114. pp. 295-320.
- Hashemi. Seyyed Saeed (2023). *Qandabad*. Third edition. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Yavari. Hura (2007). *Psychoanalysis and Literature: Two Texts, Two People, Two Worlds: From Bahram Goor to the Blind Owl Narrator*. Tehran: Etella't, pp. 18-179..

### فهرست منابع فارسی

- استوارت، ویلیام (۱۳۸۸). دایره‌المعارف مشاوره نظری و عملی. ترجمه: شکوه ترابی‌نژاد. چاپ دوم. تهران: علم، صص ۱۵۱-۱۵۲.
- اشپربر، مانس (۱۳۸۴). تحلیل روانشناختی استبداد و خودکامگی. ترجمه: علی صاحبی. تهران: ادب و دانش، صص ۲۷.
- امین مقدسی، ابوالحسن و چاکلی امانی. بهرام (۱۳۸۸). «عوامل پیدایی هجا نزد بشار بن برد». نشریه ادب عربی دانشگاه تهران. شماره ۱. صص ۴۵-۶۲.
- آدلر، آلفرد (۱۳۷۰). روانشناسی فردی. ترجمه: حسن زمانی شرفشاهی. تهران: تصویر، صص ۲۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). شناخت طبیعت انسان از دیدگاه روانشناسی. ترجمه: طاهره جواهرساز. تهران: رشد، صص ۱۷۰-۱۷۱-۱۸۵-۱۸۸-۱۶۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۲). فهم زندگی. ترجمه: زهرا آزادفر. تهران: گل، صص ۷۴-۸۵.
- پروچاسکا، جیمز (۱۳۸۳). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه: یحیی سید محمدی. تهران: رشد، صص ۵۶.
- خدابخش، روشنگر و جعفری، مصطفی (۱۳۹۳). «بررسی اثربخشی آموزش والدین با رویکرد آدلری بر سبک‌های مادران کودکان مبتلا به نافرمانی مقابله‌ای و کاهش نشانه‌های اختلال». مطالعات روانشناختی. دوره ۱۰، شماره ۱. صص ۷-۳۰.
- رائنر، جوزف (۱۳۹۰). روانشناسی فردی. ترجمه: حسن زمانی شرفشاهی. تهران: پیک بهار، صص ۴۱.
- رایکمن، ریچارد (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: مهرداد فیروزبخت. تهران: ارسباران، صص ۱۱۸.
- رحیمی‌مند، مهناز و محسنی، مرتضی (۱۴۰۲). «بررسی مقایسه‌ای و آسیب‌شناسانه طنز کودک و نوجوان با رویکرد نظریه روانشناسی اضطراب اساسی کارن هورنای». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال شانزدهم. شماره دهم. شماره پی‌در پی ۹۲. صص ۱۶۷-۱۸۵.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۹). نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۸۱.
- شفیعی، شهرام (۱۳۸۳). عشق خامه‌ای. تهران: سوره مهر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). نقد ادبی. تهران: میترا، صص ۲۵۱.
- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی آلن (۱۴۰۰). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. چاپ چهل و پنجم. تهران: ویرایش، صص ۱۹۰.
- صنعتی، محمد (۱۳۸۰). تحلیلهای روانشناختی در هنر و ادبیات. تهران: مرکز، صص ۷۹.
- عبدالله زاده، ستار و دیگران (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل شخصیت کوش پیل دندان بر پایه نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۱۵، پیاپی ۸۱. صص ۶۹-۱۱۶.
- فرگوسن، ایوا (۱۳۹۸). مقدمات روانشناسی آدلر. ترجمه: سهیلا خداوردیان. چاپ دوم. تهران: پندار تابان، صص ۱۸-۳۳.
- فیست، جس و فیست، گریگوری (۱۴۰۰). نظریه‌های شخصیت. چاپ بیست و دوم. تهران: روان، صص ۱۱۹.

- قبادی. حسینی و هوشنگی. مجید (۱۳۸۸). «نقد و بررسی روانکاوانه شخصیت زال از نگاه آلفرد آدلر». نقد ادبی. سال ۲. شماره ۷. صص ۹۷ - ۱۱۹.
- کریمی. یوسف (۱۳۸۶). شخصیت: روانشناسی عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، صص ۳۸۰ - ۳۸۲.
- منصور. محمود (۱۳۹۷). احساس کهتری: به انضمام بررسیهای بالینی آدلر - نظریه‌های بنیادی - تک بررسیهای بالینی. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۷.
- منوچهریان. پرویز (۱۳۷۲). عقده حقارت. چاپ دوم. تهران: گوتنبرگ، ص ۸۲.
- ناصحی. عباسعلی و رئیسی. فیروزه (۱۳۸۶). «مروری بر نظریات آدلر». تازه‌های علوم شناختی. سال ۹. شماره ۱. صص ۵۵ - ۶۶.
- ولیزاده. سوسن و همکاران (۱۴۰۴). «بازخوانی شخصیت‌های منظومه لیلی و مجنون نظامی از دیدگاه روانشناسی فردی آدلر». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی. (بهار ادب سابق). سال هجدهم. شماره هشتم. شماره پی در پی ۱۱۴. صص ۲۹۵ - ۳۲۰.
- هاشمی. سیدسعید (۱۴۰۲). قندآباد. چاپ سوم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- یاوری. حورا (۱۳۸۶). روانکاوی و ادبیات: دو متن، دو انسان، دو جهان: از بهرام گور تا راوی بوف‌کور. تهران: اطلاعات، صص ۱۸-۱۷۹.

#### معرفی نویسندگان

الهام آزرمی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.

(Email: [2291712764@iau.ir](mailto:2291712764@iau.ir))

(ORCID: [0009-0000-9569-9296](https://orcid.org/0009-0000-9569-9296))

نواز الله فرهادی: گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

(Email: [Na.farhadi@cfu.ac.ir](mailto:Na.farhadi@cfu.ac.ir) : نویسنده مسئول)

(ORCID: [0000-0002-9088-8351](https://orcid.org/0000-0002-9088-8351))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

Elham Azarmi: Department of Persian language and Literature , Fir.C., Islamic Azad University, firoozabad, Iran.

(Email: [2291712764@iau.ir](mailto:2291712764@iau.ir))

(ORCID: [0009-0000-9569-9296](https://orcid.org/0009-0000-9569-9296))

**Navazollah Farhadi:** Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

(Email: [Na.farhadi@cfu.ac.ir](mailto:Na.farhadi@cfu.ac.ir) : Responsible author)

(ORCID: [0000-0002-9088-8351](https://orcid.org/0000-0002-9088-8351))